

امکان سنجی تشکیل پرونده شخصیت در مدارس

مینا شریف زاده *

چکیده

تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های بیشماری در خصوص پرونده شخصیت و موضوعات مربوط به آن انجام پذیرفته است و به قطع می‌توان گفت تمامی آنان بر ضرورت تشکیل این پرونده در فرآیند یک دادرسی عادلانه تأکید داشته‌اند که این نیز نشان‌دهنده نقش بسزای آن در خصوص اصل فردی کردن مجازات‌ها و متناسب بودن مجازات تعیین‌شده در رابطه با بزهکاری است که به علت‌های بیشمار درونی و بیرونی مرتکب بزه گردیده است. اما علی‌رغم تأکیدات بسیار حقوق‌دانان و جرم‌شناسان بر ضرورت حیات واقعی پرونده شخصیت در نظام دادرسی کیفری، آنچنان که باید برای تشکیل آن اهمیتی قائل نشده و به صورت بسیار مبتدی و سطحی تنظیم گشته است. البته مشکل اصلی نیز به دلیل حجم بالای ورودی پرونده به دادسرا و آمارگرایی حاکم بوده که باعث عدم ابراز وجود حقیقی این بخش در فرآیند رسیدگی کیفری شده است. حال به نظر می‌رسد با اقدام به تشکیل پرونده شخصیت در زمان و مکانی دیگر غیر از دادسرا، بتوان ضمن حفظ رسالت حقیقی آن و چه‌بسا بهره‌بردن در سایر حوزه‌ها و سطوح گوناگون، به دغدغه‌های بسیاری از دکت‌ترین و داعیه‌داران عدالت و پیشگامان پیشگیری از جرم جامعه عمل پوشاند.

واژگان کلیدی: پرونده شخصیت، مدارس، پیشگیری از جرم، فردی کردن مجازات، جرم‌شناسی بالینی.

*. قاضی دادگستری و کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Minashirin70@gmail.com

مقدمه

در نظام دادرسی ایران، موضوع تشکیل پرونده شخصیت در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ به عنوان امری اختیاری مطابق صلاحدید قاضی دادگاه اطفال مقرر شد (مودن‌زادگان، ۱۳۸۹: ۲۳۵). پس از طی سالیان بسیار و گذر از اختیاری بودن و تشکیل آن در زمان اجرای محکومیت و قرار گرفتن در مسیر الزامی شدن و تشکیل در زمان ورود به دادرسا، لیکن آنچنان که شایسته و باید، جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است. با اینکه بر هیچ فردی که اندک آشنایی با مفاهیم حقوقی دارد پنهان نخواهد بود که تنها زمانی می‌توان حکمی عادلانه و منصفانه با دورنمای بازپروری مجرم و بازگشت وی به جامعه صادر کرد که شناخت کافی و همه‌جانبه از شخصیت مجرم وجود داشته باشد.

با تشکیل پرونده شخصیت، مقام قضایی با اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت متهم مبادرت به بازجویی می‌کند؛ یعنی وجود پرونده شخصیت باعث می‌شود که بازپرس در خصوص متهم اطلاعاتی از قبل داشته و سوالات خود را براساس آن شخصیت مطرح کند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

آنچه مسلم است پذیرش این حقیقت کتمان‌ناپذیر و صدالبته صحیح است که مجرم بیمار است و باید درمان شود و به تعبیری حقوقی و جرم‌شناسانه و بر اساس اصولی برگرفته از کیفرشناسی، با هر مجرم باید به تناسب شرایطی که در آن رشد یافته است برخورد نمود. اما همین جمله کلیشه‌ای و تکراری جا دارد به خط خوش در مقابل دیدگان یکایک قضات تقریر شود تا همه مجرمین را از یک نگاه ننگرند و تک‌تک آنان را به فراخور شرایطی که در آن رشد یافته‌اند محکوم گردانند و این همان «روانشناسی استنطاف» یا «روانشناسی قضایی»^۱ است که قضات ما باید بدان اشراف داشته باشند تا به هدف اصلی که همان بازگشت مجرم به جامعه و

۱. براساس این علم، اولین اقدام قضایی پس از مواجهه بامتهم شناخت شخصیت وی می‌باشد. با تشکیل پرونده شخصیت، مقام قضایی با اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت متهم مبادرت به بازجویی می‌کند، یعنی وجود پرونده شخصیت متهم باعث می‌شود که بازپرس در خصوص متهم اطلاعاتی از قبل داشته و سوالات خود را بر اساس آن شخصیت مطرح کند.

تعیین مجازات به تناسب شخصیت مجرم در راستای اصل فردی‌کردن عدالت کیفری^۱ است، دست یابند.

متأسفانه به علت سونامی قضایی که در دادسرا و دادگاه‌های کیفری ما حاکم است و این نیز به دلیل تعدد و تورم عناوین مجرمانه و جرم‌انگاری بی‌حدوحصر قانون‌گذار (سیاست تقنینی و کیفری ناصواب و چه‌بسا گاه غیرعلمی و حتی غیرتخصصی)، وقت و توان کافی از قضات گرفته شده و همگی درگیر کاهش این حجم از ورودی بوده‌اند و اساساً به تأسیسات حقوقی که چه‌بسا به اجرای صحیح عدالت نزدیک هستند، کم توجهی شده است. پرونده شخصیت نیز از جمله مواردی است که نتوانسته است از این مهلکه شلوغی و آمارگرایی خود را برهاند.

لذا باید چاره‌ای اندیشید که این مهم زیر آوار سونامی ایجاد شده و روزمرگی‌های قضایی به حیات اصلی خود دست یابد و این نیز میسر نمی‌گردد جز آنکه بستر مناسب این پرونده در مکانی شکل گیرد که با اتکا به اصول روانشناسی جنایی و روانشناسی شخصیتی و بهره‌گیری از علوم و متخصصین مرتبط و با صرف زمان کافی بر گردآوری هرآنچه که بدان نیاز است بپردازد که بهترین انتخاب نیز مدارس اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد نه اینکه سال‌ها بعد آن هم پس از وقوع جرم و در دادسرا که شخصیت بزهکارانه دچار قوام و غلظت شده و به عبارتی کار از کار گذشته است شروع به شناخت شخصیت متهم آنهم در ابتدایی و غیر تخصصی‌ترین سطح نمود.

تشکیل پرونده رفتاری از همان آغاز ورود اطفال به نظام آموزشی و تحت نظر گرفتن آنها توسط اولیا و مشاوران و مددکاران حاضر در مدرسه و همکاری لازم با خانواده اطفال و نهادهای دیگر، دستاوردهای بسیار بزرگی به همراه خواهد داشت که از اصلی‌ترین آنهاست:

الف) کمک به شناخت صحیح از شخصیت اطفال و متعاقباً ایجاد تعادل روانی و سلامت رفتار و شکل‌گیری شخصیت صحیح؛

۱. به طور خلاصه می‌توان گفت مفهوم و محتوای اصل فرد یکردن مجازات‌ها عبارت است: شناخت شخصیت مجرم و انطباق مجازات با شخصیت وی به منظور تأمین اهداف سزادهی، ارعایی، اصلاح مجرمین و اجرای عدالت و انصاف قضایی.

ب) شناسایی اطفالی که به دلایل مختلف دچار مشکلات اعم از روانی، جسمی، خانوادگی و... بوده و مستمر بودن روند درمان آنان؛
ج) دستیابی سیستم قضایی به پرونده رفتاری که در طی سال های متمادی شکل گرفته است.

۱. تحلیل مفهوم پرونده شخصیت

۱-۱. تعریف

شخصیت در لغت به معنای شرافت، بزرگواری، مرتبه و درجه آمده است. ترجمه کلمه personality و از واژه persona مشتق شده است. در تعریف شخصیت باید گفت: «عصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و به طور کلی آنچه همراه با اوست و موجب تمایز او از دیگران می شود» (گنجی، ۱۳۸۴: ۳۰۸).
از لحاظ تاریخی، طرز شناسایی شخصیت ماحصل تلاش اندیشمندان مکتب تحقیقی است. اثبات گرایان با تأکید بر شخصیت فرد بزهکار، خواستار بررسی وضعیت خانوادگی، اجتماعی و تحقیق و پژوهش در مورد انگیزه ارتکاب بزه در شخص بودند تا با بررسی اجتماعی، پزشکی و روان پزشکی، توانمندی های نظام عدالت کیفری را در تفریید واکنش های اجتماعی افزایش دهند.

۱-۲. عوامل سازنده شخصیت

شخصیت را می توان مجموعه ویژگی های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی در افراد دانست. بنابراین آنچه به وجود آورنده این ویژگی ها به شمار می آید، شخصیت نامیده می شود و بدیهی است که شخصیت هر فرد حاصل تعامل و تأثیر متقابل عوامل گوناگون است.

به عبارتی، شخصیت مجموع کیفیت های موروثی و اکتسابی است که خصوصیات فرد را تشکیل داده و او را منحصر به فرد می کند. شخصیت هر انسان همان چیزی است که رفتار او را شکل و جهت می بخشد.

به زعم بسیاری از محققان، شخصیت هر انسان مبتنی بر سه زمینه اساسی است: اولین زمینه، زیستی و بیولوژیک؛ زمینه دوم، یادگیری اجتماعی است به نحوی که جامعه رفتارهای پسندیده یا ناپسند را به افراد آموزش می دهد؛ و بالاخره

سومین زمینه، تاریخ زندگی شخصی فرد است. منظور از تاریخ زندگی شخصی فرد، تأثیر و اثر متقابل زمینه‌های زیستی و عناصر مشترک اجتماعی است که به گفته جامعه‌شناسان، تاریخ زندگی شخصی هر فرد از این طریق پدید می‌آید؛ تاریخی که به خاطر آن هر شخصی در حکم فردی یگانه است (مندراس، ۱۳۶۹: ۳۸).

نتیجه آنکه وجود تفاوت‌های فردی از یک طرف و شناخت‌پذیر بودن این تفاوت‌ها از طرف دیگر، کاربرد شیوه واکنش و برخورد افتراقی و متمایز با هر یک از بزهکاران را ایجاب می‌کند. در این میان، مجازات هر فرد نیز به عنوان نوعی واکنش اجتماعی در قبال پدیده مجرمانه، زمانی واجد کارایی خواهد بود که بر اساس تمایزات شخصیتی هر فرد نسبت به دیگری اعمال شود.

۳-۱. پرونده شخصیت

پرونده شخصیت یا ابررواسیون^۱ که ضرورت تشکیل آن در رسیدگی کیفری از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته، به پرونده ای اطلاق می‌شود که جدا از پرونده اتهامی مربوط به رفتار مجرمانه و در واقع، حاوی اطلاعاتی از شخصیت مرتکب است. پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی است و هدف از تشکیل آن، شناخت بهتر شخصیت مرتکب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری متناسب با آن است. رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها که یکی از اصول پذیرفته شده ی امروزی در حقوق کیفری به شمار می‌رود، در صورت وجود پرونده شخصیت متهم، بهتر و راحت تر صورت می‌پذیرد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۶۸)

پرونده شخصیت به معنی عبور از جنبه‌های صرف حقوقی بزه به منظور لحاظ نمودن جنبه‌های انسانی جرم است. (خسروشاهی و سبزه‌علی، ۱۳۹۶: ۱۲۲) همچنین، به پرونده ای اطلاق می‌شود که در کنار پرونده کیفری تشکیل می‌شود و مشتمل بر اطلاعاتی از وضعیت عمومی و خاص مجرم مانند شرایط روانی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است.

۱. به معنای معاینه، ملاحظه، مشاهده، اظهار عقیده کردن و نظر دادن است و اصطلاحاً عبارت است از مجموع تحقیقات و آزمایشات جامعه‌شناسی، روانشناسی و فیزیولوژیکی که برای شناسایی شخصیت بزهکار به کار می‌رود.

پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم شناسائی بالینی است. یکی از مهم ترین وظایف جرم شناسی بالینی تعیین طریق معالجه بزهکار بر مبنای ویژگی های جسمی، روانی و روحی او و درجه ابتلای او به ناهنجاری های اجتماعی است و با این ترتیب از تکرار جرم نیز می توان جلوگیری نمود. این شاخه از جرم شناسی با استفاده از سایر علوم مرتبط توانایی و اصلاح پذیری فرد بزهکار را اندازه گیری نموده و یا در مورد افرادی که حالت خطرناک دارند درجه انحراف و خطرناک بودنشان اندازه گیری می شود و تجویز لازم جهت درمان بیماری آنان به عمل می آید.

در پرونده شخصیت سعی در بررسی جرم نیست بلکه شناخت کلی مجرم مطرح است که می تواند قاضی را در اتخاذ یک مجازات متناسب برای اصلاح و درمان مجرم یاری دهد که گاهی مهم در راستای اصل فردی کردن مجازات ها و رعایت انصاف و عدالت در دادرسی کیفری می باشد که از آن به سیاست عدالت ترمیمی یاد می شود.

پرونده شخصیت بزهکاران از نظر اصولی بایستی با شروع دادرسی توسط تیمی مرکب از روان پزشک، پزشک عمومی، روان سنج، مددکار اجتماعی و متخصصین علوم اجتماعی با بررسی وضعیت جسمانی، فردی، اجتماعی و روانی متهم صورت گیرد و تنها از این طریق است که کشف ارتباط میان ساختمان فکری مجرم، رشد عاطفی و زیستی او و جرم ارتكابی امکان پذیر می گردد و متعاقب آن است که شناسایی عوامل جرم زا و نحوه برخورد با آنها محقق خواهد شد.

۲. آثار پرونده شخصیت

۲-۱. چرایی تشکیل پرونده شخصیت

محکوم کردن یک مجرم بدون در نظر گرفتن سوابق و شخصیت او و اثرات اجتماعی که تحمل نموده است صحیح نیست و قاضی نباید فقط به جرم ارتكابی نظر بدوزد و عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی بزهکار را فراموش کند. قاضی در برخورد با عارضه بزهکاری نباید تنها در مقام جستجوی مصداق قانونی آن باشد، بلکه او به مثابه یک طبیب قبل از هر کار باید علت بیماری را تشخیص داده، سپس داروی مناسب و لازم را تجویز نماید؛ وگرنه بیمار او نه تنها مداوا نمی شود، بلکه

امکان تشدید حالت و احیاناً نابودی وی شده و حتی شیوع بیماری را نیز در پی خواهد داشت.

بریسوت دواروی می‌گوید: «مجرم یک مریض است یا نادان، به همین جهت باید او را شفا داد و به او آموخت، نباید او را خفه کرد» (مظلومان، ۱۳۴۳: ۶۸).

امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر درباره قاضی می‌فرماید: «قاضی در قضایا به آنچه در وهله نخستین و نظر سطحی بفهمد، اکتفا نکند و از کاوش در اعماق حقایق باز نایستد». قاضی کیفری اگر پس از مطالعه سوابق متهم به صدور حکم بپردازد، رأی صادرشده با توجه به شخصیت متهم خواهد بود و از فرمان الهی تبعیت نموده است و این قاعده متخذ از روش الهی است که بر نفس جز به قدر وسع آن تکلیفی بار نفرموده است (کی‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۳).

ضرورت تشکیل این پرونده از آن جهت است که قاضی می‌تواند با مطالعه و بررسی آن اشراف کافی به وضعیت متهم پیدا کند و با فردی سازی تصمیمات خود، عکس‌العملی متناسب با شخصیت او اتخاذ نماید. در واقع در مرحله قضاوت لزوم توجه به فردی بودن مجازات بسیار حائز اهمیت است، اصلی که لازمه تشکیل پرونده شخصیت است. (بدری، ۱۳۹۶: ۵۳)

رسالت پرونده شخصیت این است که مرجع رسیدگی‌کننده برای یک دادرسی موفق باید از حقایق مربوطه در مورد فرد بزهکار از قبیل سوابق خانوادگی، دوران مدرسه، تجربیات آموزش و... مطلع گردد. (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۱۷) تاب‌تواند حکمی درخور شخصیت متهم صادر نماید.

پرونده‌های شخصیت در بررسی‌های جرم‌شناسانه برحسب نوع پرونده در دو شکل قابل مشاهده هستند: «۱- پرونده شخصیت اجتماعی ۲- پرونده شخصیت فردی».

«پرونده اجتماعی» بزهکار متضمن اطلاعاتی در ارتباط با تعامل محیط و ساختار شخصیت اوست. محیط وضعیت غیرثابتی است که فرد را احاطه کرده و بر چهار قسم می‌باشد: محیط فیزیکی، محیط اقتصادی، محیط خانوادگی و محیط فرهنگی و اجتماعی.

از سوی دیگر در تهیه «پرونده فردی» بزهکار با کمک آزمایش‌های پزشکی، اطلاعات مربوط به رشد جسمی، آثار عقب‌ماندگی، شرایط بزهکار در دوران بلوغ، نحوه تکامل رفتاری و کرداری او از اوان کودکی تا بزرگسالی، وضعیت توارثی، خصایص و اوصاف جنسیت‌مدار بزهکار و همچنین شرایط سنی از حیث سن شروع رفتارهای پرخطر، سن اولین دستگیری، سن مکرر بزه و دوران فعالیت مجرمانه در پرونده فردی شخصیت بزهکار درج خواهند شد.

۲-۲. نقش پرونده شخصیت در پیشگیری از جرم

پیشگیری به لحاظ لغوی به معانی جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، پیشگیری اینگونه تعریف شده است: «هرنوع اقدامی که طبیب یا مامور بهداشتی برای جلوگیری از بروز مرض انجام بدهد».

واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و همچنین «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است؛ اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشگیری از بزهکاری است.

ریموند گسن، جرم‌شناس فرانسوی پیشگیری از جرم را شامل مجموع تدابیر سیاست جنایی (به استثنای تدابیر نظام کیفری) می‌داند که نتیجه آنها کاهش امکان وقوع انحراف و بزهکاری از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کاهش احتمال وقوع است. شرمن عقیده دارد هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان بدهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده آن رویداد را می‌توان پیشگیرانه دانست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

پیشگیری از جرم در ناب‌ترین شکل آن بر افرادی توجه دارد که در فعالیت‌های جنایی درگیر نشده‌اند (از قبیل کودکان، نوجوانان و سایر افراد غیربزهکار) و به دنبال پاسخ بدین سؤال است که «چه کاری می‌توان انجام داد تا اطمینان حاصل شود که آنها هرگز مرتکب جرم نشوند؟» (محمدنسل، ۱۴۰۱: ۳۳).

این رهیافت برای کاهش دادن مدت حضور افراد در فعالیت‌های جنایی و جلوگیری از روی آوردن آنان به اعمال و حرفه مجرمانه است (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

هدف این نوع پیشگیری، مداخله زودرس در افرادی است که رفتار ضداجتماعی از خود بروز می‌دهند و این رفتار می‌تواند از تحول تدریجی به سوی یک بزهکاری در آینده خبر دهد. از این رو با مداخله در رشد فرآیند کودکان و تمرکز بر روی عوامل فردی و اجتماعی که به پیشرفت آمادگی‌های مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیرگذار است، می‌توان با جامعه‌پذیر کردن این افراد، از تبدیل شدن آنان به بزهکار مزمن جلوگیری کرد (رجبی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

از آنجایی که مراحل مختلف رشد کودکان در مکان‌های مختلف خانواده، مدرسه و اجتماع صورت می‌گیرد، برنامه‌های پیشگیری زودرس به برنامه‌های خانواده‌مدار، مدرسه‌مدار و اجتماع‌مدار تقسیم می‌شود (گراهام، ۱۳۶۸: ۴۸-۴۹). پیشگیری و مداخله به‌جا و درست مسئولین در رویارویی با طفل و عوامل بزهکاری می‌تواند در زمینه یاری رساندن به کودکان مؤثر باشد.

علمی که سعی می‌کند بر پویایی جنایی و مراحل گذر در مسیر مجرمانه متمرکز شود و به بررسی موقعیت فرد در پیش از بزهکاری، شخصیت او در زمان بزهکاری و چگونگی ترکیب این دو موقعیت در فعلیت یافتن شخصیت جنایی بپردازد (ولد و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۶۵).

پیشگیری از بزهکاری پایدار باید مبتنی بر شناخت ساختار شخصیتی بزهکار در قالب جرم‌شناسی بالینی متضمن گذر از سه مرحله باشد: ۱- مطالعه بزهکار با معاینات چندبعدی؛ ۲- اجرای برنامه‌های اصلاح و درمان؛ ۳- پیگیری برنامه‌های اصلاح و درمان به کمک متخصصان و کنترل ناشی از آن. شناخت شخصیت بزهکار، تطبیق روش‌های خاص پیشگیری با شخصیت او و تقویت قدرت سازگاری فرد با محیط فرایندی است مستلزم مطالعات زیستی، روانی و اجتماعی (آشوری و عظیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

لذا پرونده شخصیت الگوی سازمان‌یافته‌ای از پیشگیری است که نقش انکارناپذیری در پیشگیری از پایدارشدن بزهکاری و کارکردهای مؤثر در برنامه‌ریزی‌های مداخله‌جویانه ایفا می‌نماید.

پرونده شخصیت، شناسایی شخصیت جنایی را تسهیل می‌نماید، طبقه‌بندی بزهکاران را میسر می‌سازد، عمده عوامل فردی و اجتماعی بزه‌زایی را که جوانان و

نوجوانان جامعه در معرض آن هستند روشن ساخته و متولیان امور کیفری را در تقویت روش‌های پیشگیری اولیه توانمند می‌نماید. از سوی دیگر با تبیین نواقص فردی و اجتماعی بزهکار، گزینش نوع واکنش متناسب با کنش‌های بزهکارانه جوان را کارآمدتر ساخته و از قرار گرفتن در بیراهه‌هایی که موجب سقوط مجدد بزهکار در ورطه بزهکاری می‌شود، جلوگیری می‌نماید. مجموعه شرایطی که هزینه کمتری را بر دوش عدالت کیفری خواهند گذارد و اجتماع را نیز از بحران بزهکاری رهایی خواهند بخشید (همان، ۲۱۱).

۳. فرآیند تشکیل پرونده شخصیت (رفتاری) در مدارس

۳-۱. علت انتخاب مدرسه برای تشکیل پرونده شخصیت

پیشگیری از وقوع جرم و به‌کارگیری تدابیر مناسب در مقابله با جرم و بزهکاری از مهم‌ترین ابعاد سلبی توسعه در جوامع انسانی است. در کنار شاخص‌های ایجابی توسعه انسانی و اجتماعی مانند بهداشت، رفاه، آموزش و اشتغال، کاهش نرخ جرم و انحراف‌های اجتماعی و به‌کارگیری مناسب‌ترین رویکردهای پیشگیرانه را می‌توان از مهم‌ترین ابعاد سلبی توسعه در جامعه دانست. از این رو بخش قابل توجهی از توان کشورها صرف پژوهش و بررسی در زمینه تدوین کارآمدترین سیاست‌های جنایی پیشگیرانه می‌شود. تعمیق اندیشه‌های جرم‌شناختی و علمی شدن شناخت و مقابله با پدیده‌های مجرمانه به طور مداوم جلوه‌های نوینی از تدابیر پیشگیرانه را به سیاست‌گذاران نشان می‌دهد (شریف‌نژاد، یوسفیان و باقی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

در اعمال سیاست‌های نوین پیشگیری و مدیریت آن، تعامل نهادهای مرتبط با پیشگیری از جرم و کج‌روی با یکدیگر ضروری است. نهاد آموزش در راستای وظایف قانونی خود مبتنی بر حفاظت و حمایت جسمی و روانی از کودکان در محیط‌های آموزشی و جامعه‌پذیر کردن آنان با دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری نظیر پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای حمایتی ارتباط منطقی و مؤثرتری دارد. امری که نبود آن به عنوان آسیبی جدی در اجرا و مدیریت برنامه‌های پیشگیرانه محسوب می‌شود.

شناسایی عوامل خطر و مدیریت خطر در راستای کاهش آسیب به کودکان، محصول تعامل نهادهای مختلف اعم از نهادهای آموزشی و اجرایی و حمایتی است.

بنابراین در طرح‌ریزی برنامه‌های پیشگیرانه و نهایتاً ارزیابی صحیح این برنامه‌ها، توجه به رویکرد چندپندهادی و تعامل مؤثر بین نهادها در این خصوص ضروری است (فرجی‌ها، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۸).

کودکان از طریق دو نهاد خانه و مدرسه فرآیند جامعه‌پذیری را طی می‌کنند و اختلال در این فرآیند، کودک را در معرض خطر انحراف از معیارهای پذیرفته شده اجتماعی و بزهکاری قرار می‌دهد (مهدوی، ۱۳۹۷: ۱۳۹) به گونه‌ای که بنیان‌های سازگاری و ناسازگاری افراد با هنجارهای جامعه در چگونگی تربیت او در محیط خانواده و سپس چگونگی پرورش او در محیط تحصیلی شکل می‌گیرد.

بعد از خانواده، مدرسه دومین محیطی است که سرنوشت و آینده کودکان را رقم می‌زند. این نهاد می‌تواند در افزایش سواد، شکوفایی استعداد، شخصیت، اعتماد به نفس و... در کودکان مؤثر باشد؛ چراکه محیطی است که کودک بیشتر اوقات خود را بعد از خانواده در آن سپری می‌کند و ورود به این مکان اولین گام برای تطابق با اصول و مقررات اجتماعی است. محیط مدرسه در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان نقش به‌سزایی دارد و بخشی از سرنوشت و آینده دانش‌آموزان در مدرسه رقم می‌خورد. صرف مدت زمان زیادی از اوقات کودکان و نوجوانان در محیط آموزشی و دسترسی آسان و مستمر پرسنل مدرسه به دانش‌آموزان و والدین آنان از یک سو باعث می‌شود تا تشخیص کودکان در معرض خطر و مسئله‌دار و سوءاستفاده و بی‌مبالاتی نسبت به آنان در این گونه محیط‌ها، نسبت به سایر محیط‌های اجتماعی مرتبط، با سرعت بیشتری امکان‌پذیر باشد و از سوی دیگر، طراحی، اجرا و در نهایت مدیریت برنامه‌ها و طرح‌های پیشگیرانه نسبت به کودکان و نوجوانان در معرض خطر و آسیب نیز در این محیط‌ها به دلیل دسترسی سریع و مستمر به والدین آنان به صورت مؤثر امکان اجرا پیدا می‌کند. مدرسه با برخورداری از توانایی آموزش و القای هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های زندگی در فرآیند جامعه‌پذیرسازی کودکان نقش مهمی دارد. تماس مستمر با کودکان در محیط مدرسه و کلاس درس امکان شناسایی کودکان در معرض خطر یا کودکان مسئله‌دار را فراهم ساخته و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه را در مدرسه فراهم خواهد ساخت.

آینده کودکان و نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های جوامع بشری بوده است. چگونگی تربیت شدن و شکل‌گیری سامانه شخصیت این گروه زیربنای جامعه آینده است، لذا بایستی با رویکردی همه‌جانبه‌نگر به چگونگی بالندگی این نسل توجه داشت. مدرسه به لحاظ اینکه از نخستین نهادهایی است که کودک در راستای رشد جسمی و روحی و شکل‌گیری شخصیت و اجتماعی شدن در آن گام می‌نهد و چه‌بسا مسیر تجربه‌اندوزی و کسب تجارب بر اساس شخصیت افراد در مدارس بارور می‌شود، لذا مناسب‌ترین گزینه برای شروع مشارکت در زمینه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه منسجم از بزهکاری است. نهاد آموزش و پرورش به عنوان پرجمعیت‌ترین ایستگاه تعلیم و تربیت، نقش مؤثری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم بر عهده دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از موفق‌ترین مکان‌ها برای اجرای اقدام پیشگیری از جرایم، مدارس هستند و همانطور که بیان شد، مدرسه اولین محیط اجتماعی است که کودکان و نوجوانان ناچارند خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازند. اتخاذ تدابیر سنجیده مناسب در مراحل قبل و بعد از تکوین بزهکار، به واسطه کمی سن و طبع حساس و در عین حال منعطف و اصلاح‌پذیر کودکان و نوجوانان در راستای درست تربیت شدن و دوری از عوامل، فرصت‌ها و موقعیت‌های پرورش‌دهنده بزهکاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

کودکان و نوجوانان در مقایسه با دیگر اقشار جامعه، انرژی، آمادگی بدنی و استعداد فکری و خطرپذیری بالاتری را دارا هستند و در نتیجه وسوسه ارتکاب جرم به خصوص در دوره نوجوانی در ایشان جولان می‌دهد. لذا اگر تحت مدیریتی کلان، برنامه‌های پیشگیری از جرم در مدارس به عنوان منبع اصلی و قابل دسترسی پیاده شود، بی‌شک سربازان پیاده نظام معرکه بزهکاری نیز کاهش چشمگیری خواهد یافت.

به عبارتی از هدف‌گذاری‌های واقع‌بینانه، جلوگیری از رشد آمار بزهکاران در جامعه است. کاهش کج‌روان فعلی (جلوگیری از تکرار بزهکاری) و کاهش کج‌روان بالقوه (افراد مستعد کج‌روی) که البته مورد بسیار حیاتی بوده، زیرا بدون کار بر روی کج‌روان بالقوه، هرگونه اقدام پیشگیرانه در مورد بزهکاران موجود ابتر خواهد ماند. در ازای هر بزهکاری که زحمات و هزینه‌های فراوان از چرخه بزهکاری خارج

می‌شود، افراد تازه‌نفس دیگری جایگزین خواهند شد. لذا با پیشگیری فوری و پُرائر از همان اوان کودکی، این مهم دست‌یافتنی‌تر می‌گردد (محمدنسل، ۱۴۰۱: ۴۳).

بسیاری از اختلالات رفتاری در کودکی و نوجوانی نشان‌دهنده بروز بزهکاری در آینده است. در این راستا و به جهت جلوگیری از بزهکاری اطفال در آینده، گسترش صلاحیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی در طفل توسط خانواده‌ها و مدارس امری ضروری است. یاری گرفتن از مشاوران متخصص در رفع مشکلات کودکان و نوجوانان نیز از دیگر موارد همکاری میان خانواده‌ها و مدارس در پیشگیری از بزهکاری ایشان می‌باشد (گل‌محمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

هماهنگی و همکاری نظام آموزش و پرورش با والدین و خانواده‌ها با مرکزیت و پشتیبانی نظام آموزشی در روند پرورش و آموزش کودکان و ایجاد رویه‌ای واحد در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است. مدارس با برنامه‌های مدون تربیتی و ترمیمی در خصوص آموزش، آگاه‌سازی و مشارکت خانواده‌ها می‌توانند تا حدودی عوامل جرم‌زا را خنثی یا تقلیل داده و از تعداد دانش‌آموزان بزهکار بکاهند.

بنابراین خانواده و مدرسه در زمینه حل مشکلات روحی و روانی کودک نقش بسزایی دارند. مسلماً فراهم آوردن محیطی آرام با همکاری و مشارکت خانواده و مدرسه مؤثرتر و راهگشا‌تر خواهد بود. همچنین اگر کودکی در محیط خانه با مشکل روحی مواجه شده باشد، اولیای طفل می‌توانند با اطلاع‌رسانی دقیق و به‌نگام و صادقانه در امر درمان و برطرف‌سازی آن یاری نمایند و بدین خاطر است که تأثیر برقراری مشارکت عمیق میان اولیای طفل و مربیان مدرسه قبل از بروز مشکلات روحی و اخلاقی بر اطفال در راستای جلوگیری از آن بر کسی پوشیده نیست. چرا که اگر طفلی به واسطه وجود مشکل حساسیت بالاتری نسبت به سایر همکلاسی‌های خود داشته باشد (یا به گونه‌ای رنج می‌برد)، ممکن است واکنشی غیرمعمول به رفتار عادی از سوی مربی یا همکلاسی‌های خود دست بزنند. این در حالی است که اگر والدین به‌نگام مربیان مدرسه را آگاه نمایند، می‌توان از پیشرفت و شدت آن کاست. همچنین کودکان در مدرسه مطیع‌تر از زمانی هستند

که در خانه و در پیش خانواده خود هستند، پس می‌توان به نحو مطلوب از آن بهره جست و دانش‌آموزان را به مسیر درست هدایت نمود.

مدرسه از پتانسیل و ظرفیت بسیار بالایی برای اجرای این طرح برخوردار است و نباید تنها به آموزش دادن صرف اکتفا نماید و سلامت و صلابت شخصیتی دانش‌آموختگان را رها کند و یا به طور بسیار سطحی بدان بپردازد. عدم همکاری و نظارت در امور تربیتی امروزه محیط تحصیلی را در ردیف عوامل جرم‌زا قرار داده است. لذا کودکان و نوجوانان که سرمایه اصلی یک جامعه محسوب می‌گردند و آینده جامعه هستند، بایستی در این پایگاه ویژه به بالاترین شکوفایی شخصیت برسند نه اینکه دچار رکود و بی‌ثباتی گردند.

در نگاهی دیگر، مدرسه پل ارتباطی میان خانواده و جامعه می‌باشد و با آموزش ارزش‌های مقبول به عنوان یک نهاد رسمی به هم‌گرایی خانواده و جامعه کمک می‌نماید.

۳-۲. چگونگی اجرای این طرح در مدارس

همان طور که بیان گردید، کودکان و نوجوانان باید موضوع ضروری و نخست تمرکزهای پیشگیری از جرم باشند. مدرسه با پیوستن به طرح‌های پیشگیرانه و تشکیل پرونده رفتاری در کنار پرونده آموزشی دانش‌آموزان می‌تواند کمک شایانی را در آنچه که از اهداف عالیه جرم‌شناسی است، برساند.

محیط آموزش و پرورش پس از محیط خانواده در آموزش و پرورش افراد و هم‌نوایی آنان با هنجارهای اجتماعی، نقشی اساسی بر عهده دارد. لذا چنانچه این محیط قادر نباشد رسالت خویش را در جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان و همچنین تقویت و تکمیل نقش خانواده در این زمینه به نحو احسن ایفا نماید، دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان اصلی جامعه، به جای حرکت در مسیر رشد و پرورش، به سمت و سوی بزهکاری و جرم سوق می‌یابند.

اگر خوش‌بینانه به طرح مورد نظر نگریسته شود، مشاهده می‌گردد در حال حاضر نیز دانش‌آموزان از بدو ورود به مدرسه دارای پرونده سلامت بوده و علاوه بر سلامت جسمی، به سلامت روانی دانش‌آموزان نیز اهمیت داده شده و این نیز در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز دیده می‌شود. همچنین در کارنامه صادرشده نیز به هر دانش‌آموز نمره انضباطی داده می‌شود که آن نیز براساس

رفتاری است که فرد در طول بازه زمانی مقرر در زمان تحصیل از خود نشان داده است و همچنین وجود مشاور در مدارس بهترین شاهد برای تأیید مورد فوق می‌باشد. پس انجام پرونده شخصیت در دوران کودکی و ایام تحصیل دور از ذهن نبوده، لیک آنچه که اهمیت دارد: ۱. هدفمند بودن؛ ۲. مستمر بودن؛ ۳. تخصصی بودن آن در تمامی ایام تحصیل (از زمان ورود به مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها تا نظام آموزش عالی و ورود به دانشگاه) و دسترسی سیستم قضایی به این پرونده از بدو ورود بزهکار به دادسرا است.

می‌توان یک مقایسه کوچک را در اینجا یادآور شد و آن این است که همانطور که قضاات ما می‌توانند استعلام سوابق ثبتی یک ملک را پیگیر شوند، در صورت ثبت چنین پرونده‌ای نیز می‌توانند با دسترسی و مطالعه گذشته و سبک زندگی فرد بزهکار جهت صدور یک رأی تمام‌عیار گام بردارند.

اجرای این طرح تنها نیازمند یک انسجام و هماهنگی بیشتر در مدارس و آموزش و پرورش با دیگر نهادها و متخصصین اعم از جرم‌شناسی، روانشناسی و غیره بوده که می‌توان این مهم را از طریق ایجاد کارگروه‌هایی در هر ناحیه و ثبت در سیستم و یکپارچه کردن آن عملی ساخت.

۴. چالش‌های فراوری تشکیل پرونده رفتاری

۴-۱. احتمال برچسب‌زنی بر کودکان در اجرای تشکیل پرونده رفتاری

در ابتدا این طور به ذهن می‌رسد که اجرای این طرح به صورت تخصصی و جریان داشتن در طول سالیان متمادی موجب برچسب‌زنی برخی از محصلینی می‌شود که دارای سوءرفتار و ناهنجاری بوده‌اند و این باعث آسیب‌های متعددی بر روی فرد می‌گردد. لذا جهت رفع مورد فوق باید مواردی را بیان داشت من جمله: الف) این طرح برای همه افراد تشکیل می‌گردد و نه برای افراد خاصی، لذا اگر قرار بر چسب‌زنی باشد برای همه است و نه برای اشخاص خاصی.

ب) در صورت شناسایی افرادی که دارای سوءرفتار بوده و اقدام به درمان آنان می‌گردد، باید بیان داشت که رفتار هیچ فردی که دارای خصیصه فوق باشد بر کسی پوشیده نبوده و تمامی افراد محیط پیرامون شخص، خواستار

بهبودی وی بوده و اینکه حالا عده‌ای نگاه اطرافیان را برچسب تلقی نموده و از اجرای چنین طرح‌هایی جلوگیری نمایند، تنها نگاه متعصبانه داشته‌اند نه دغدغه‌مند. زیرا بر هیچ انسانی که خواستار داشتن یک جامعه سالم باشد، نه تنها اجرای چنین طرح‌هایی را دور از ذهن و عقل نمی‌پندارد، بلکه در صورت اینکه خود بتواند در اجرای هرچه صحیح‌تر و سریع‌تر آن اقدامی نماید، از هیچ مساعدتی دریغ نخواهد ورزید.

ج) در حال حاضر نیز ما شاهد این هستیم که در مدارس علاوه بر فرآیند تشویق، تنبیه اشخاصی نیز وجود دارد که دارای رفتارهایی هستند که با آنچه اولیا و مربیان مدرسه برای اداره کردن مرکز خود مقرر نموده‌اند، هماهنگی نداشته‌اند و این به اشکال مختلف مانند اخراج، نمره انضباطی پایین، خواستن والدین فرد، تذکر، ارجاع به مشاور حاضر در مدرسه و... نمود دارد.

د) می‌توان به آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ اشاره کرد که در آن وزارت آموزش و پرورش مکلف است تدابیری را برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان و شناسایی کودکان در معرض خطر فراهم آورد (محمدی، بیژنی میرزا و حاتمی، ۱۳۹۷: ۲۴۳). همچنین طرح یاریگران زندگی در مدارس در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان (نماد). پس باتوجه به مواردی که بیان شد بایستی انگشت اتهام احتمال برچسب زنی را از طرح مورد نظر برداشته و به هرچه سریع‌تر اجرایی شدن آن کمک و اقدام نمود.

۴-۲. طولانی و هزینه‌بر بودن

بی‌شک اکثر برنامه‌های پیشگیری از جرم زمان‌بر بوده و نیازمند صبوری بسیار است تا بتوان اثرات چشم‌گیر آن را در زمان‌های آتی مشاهده نمود. البته اجرای این طرح از همان آغاز اثر خود را گذاشته و به عینه می‌توان نظاره‌گر سلامت

جامعه پیش رو بود. زیرا زمانی که جمعیت بسیاری از لحاظ وضعیت روانی، اجتماعی، خانوادگی مورد سنجش قرار گرفته و افرادی که از وضعیت متعادلی نسبت به دیگر افراد برخوردار نبوده شناسایی شده و تحت درمان قرار بگیرند، کمتر شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز و ناهنجار بوده و به عبارتی از رشد عواملی که باعث ارتکاب بزه در آینده می‌گردد جلوگیری کرده و از همان ابتدا خشکانده می‌شود.

همچنین هزینه‌هایی که بعد از ارتکاب جرم به دولت و دیگر بخش‌ها و افراد وارد می‌شود بسیار سرسام‌آورتر از هزینه‌هایی است که در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد. در حال حاضر نیز این طرح به صورت پراکنده در حال اجرا بوده و آنچه در این مقاله مدنظر بوده است، متمرکز کردن این طرح و سوق دادن آن به سمت سیستم کیفری و قضایی می‌باشد.

نتیجه گیری

قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. در این تقسیم بندی، سیاست پیشگیری افتراقی میان اطفال و نوجوانان بزهکار و بزهکاران بزرگسال اعمال می شود. بدین معنی که چون شخصیت کودکان و نوجوانان در حال شکل گیری و تثبیت است، لذا در مورد آنان از تدابیر پیشگیرانه پرورشی و اصلاحی استفاده می شود، در حالی که در مورد بزرگسالان از تدابیر پیشگیرانه تنبیهی و اراعی استفاده به عمل می آید. امروزه نیز در بیشتر کشورها سعی می شود که سرمایه گذاری در امر پیشگیری را بیشتر به اطفال و نوجوانان اختصاص دهند که انعطاف بیشتری دارند و قابل اصلاح تر از بزهکاران بزرگسال می باشند. بسیاری از عواملی که منجر به جرم می شوند، همان هایی هستند که مداخلات اوان کودکی را می طلبند.

پرونده شخصیت که در حال حاضر در برخی جرایم تشکیل آن الزامی گشته، آنچنان که باید به طور کامل تشکیل نشده و حتی بعضاً بسیاری از قضاات دادسرا در مرحله آخر که پرونده معد صدور رأی و آماده ارسال به دادگاه بوده، اقدام به تشکیل آن می نمایند.

با توجه به حجم گسترده هجوم پرونده به دادسرا از یک سو و عدم فرصت کافی جهت شناسایی شخصیت بزهکاران در مدت کوتاه از سوی دیگر، لذا مدرسه به عنوان محیطی که ارتباط تنگاتنگ با تمامی نهادها و سازمان های دولتی و خصوصی دارد، از لحاظ اجرای تشکیل پرونده رفتاری بهترین مکان محسوب شده و زمان بسیار کافی را نیز در اختیار دارد که از همان ابتدای ورود اطفال به نظام آموزشی، در کنار پرونده آموزشی، پرونده دیگری به نام پرونده رفتاری را تشکیل داده و کودکان را همانطور که نمرات تحصیلی آنها مهم بوده، ویژگی های شخصیتی آنان را نیز مهم انگاشته و تحت نظر مشاور و کادر تخصصی قرار دهد. البته که در نظام آموزشی پرونده پزشکی، نمره انضباط، وجود مشاور و... وجود داشته، ولی این عوامل یا تنها به آغاز ثبت نام و ورودی دانش آموزان محدود است و یا هیچ توجهی به گذشته نداشته است. لذا با تأسی از آموزه های جرم شناسی به طور واضح پس از مدتی می توان شاهد کاهش چشمگیر بزه در جامعه بود و همچنین با راه اندازی یک

سیستم یکپارچه، قضات به پرونده ایجادشده دسترسی خواهند داشت تا از همان ابتدای تشکیل پرونده در دادسرا، تصویر کلی از شخصیت و چگونگی گذران سال‌های زندگی وی را داشته باشند تا بتوانند در روال دادرسی بدان تمسک جویند و البته که قضات ما نیز در دادگاه‌های کیفری می‌توانند بهترین آرا را با توجه به شخصیت بزهکار با کمک نظریاتی که روانشناسان و مشاوران در طول مدتی که پرونده از همان آغاز شکل گرفته و مرقوم داشته‌اند، صادر نمایند. به عبارتی روند درمان ادامه‌دار بوده نه فقط به محکومیتی صرف اکتفا گردد که تأثیری آنچنان در پیشگیری و کاهش جرم نخواهد داشت.

پیشنهادهای

- الزام آور بودن تشکیل این پرونده برای تمامی نهادهای آموزشی اعم از دولتی و خصوصی از همان اوان کودکی تا تحصیلات تکمیلی
- تشکیل این پرونده توسط متخصصان و اهل فن
- ایجاد سیستم یکپارچه بین نظام آموزشی و کیفری جهت دسترسی
- کمک به روند درمان افراد شناخته شده

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد و عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۲)، «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲.
۲. ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران»، فصلنامه علمی-ترویجی پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۰.
۳. بدری، علی (۱۳۹۶)، «دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران»، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، ۱۳۹۶.
۴. خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۵. خسروشاهی، قدرت‌الله و سبزه‌علی، راضیه (۱۳۹۶)، «نقش پرونده شخصیت در پیشگیری از تکرار جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۹۶.
۶. رجبی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۸)، «پیشگیری اجتماعی شهروندمدار»، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، مجموعه مقاله‌های کارگروه پیشگیری انتظامی از جرم، تهران: انتشارات معاونت ناجا.
۷. شریف‌نژاد، عبدالمهدی؛ یوسفیان شوره‌دلی، بهنام؛ باقی‌زاده، محمدجواد (۱۴۰۱)، «نقش مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال»، فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی، سال هفدهم، شماره ۷۲، پاییز ۱۴۰۱.
۸. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۴)، روانشناسی جنایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.
۹. گراهام، جان (۱۳۶۸)، «تأثیر مداخله‌های زود هنگام روانشناختی-اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری»، ترجمه یاسمن خواجه‌نوری، مجله حقوقی دادگستری، سال ۱۳۶۸، شماره ۴۸-۴۹.
۱۰. گل‌محمدی، فرهود (۱۳۹۰)، «نگاهی بر نقش حفظ و تقویت ارزش‌ها در جوانان در پیشگیری از وقوع جرم»، پیشگیری رشد مدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، جلد دوم، تهران: نشر حدیث کوثر، چاپ اول.
۱۱. گنجی، حمزه (۱۳۸۶)، روانشناسی عمومی، چاپ چهل و دوم، تهران: ساوالان.
۱۲. محمدنسل، غلامرضا (۱۴۰۱)، کلیات پیشگیری از جرم، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

۱۳. محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیبه؛ حاتمی، مهدی (۱۳۹۷)، «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد»، فصلنامه علمی-پژوهشی تدریس پژوهی، شماره ۴.
۱۴. مظلومان، رضا (۱۳۴۹)، «آیا مجرم گناهکار است؟»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳.
۱۵. مدرس، هانری و گوروچ، ژرژ (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی (۱۳۸۹)، «پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹.
۱۷. مهدوی، محمود و اختری، نیکزاد (۱۳۹۱)، «خانواده، کنترل اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان»، مطالعات پیشگیری از جرم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲۵.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳)، تقریرات درس جرم‌شناسی دانشگاه تهران.
۱۹. نجفی توانا، علی (۱۳۸۸)، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳۸۸.
۲۰. نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۵)، «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
۲۱. هدایت، هدیه (۱۳۹۵)، آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده: مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوق میزان.
۲۲. ولد، جرج و دیگران (۱۳۹۴)، جرم‌شناسی نظری (گذری به نظریه‌های جرم‌شناسی)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.